

## از آسمان و زمین مرگ بر مردم ایران می بارد



طی هفته های اخیر سیل و سیلاب همانند پس لرزه های زمین لرزه ای ویرانگر، مناطق وسیعی از ایران را فرا گرفته است. همین سه هفته پیش بود که جان و زندگی ساکنان چهار استان سیستان و بلوچستان، کرمان، فارس و هرمزگان بر اثر بارش باران و جاری شدن سیل دچار آسیب و ویرانی های شدید شد. صدها هکتار زمین کشاورزی زیر آب رفت، هزاران واحد مسکونی تخریب گشت، ارتباط جاده ای با

در صفحه ۳

## تعرضات طبقه حاکم علیه طبقه کارگر در ماجرای تعیین حداقل دستمزد

به پایان سال ۱۴۰۰ و موسم تعیین حداقل دستمزد نزدیک می شویم. طبقه حاکم و دولت این طبقه تعرض دوجانبه ای را علیه طبقه کارگر و سطح معیشت کارگران سازمان داده و در تدارک اجرای آن برآمده اند. دولت جمهوری اسلامی که طی چهار دهه گذشته از هیچ تلاش و ترفندی علیه کارگران و برای تحمیل بی حقوقی مطلق و خاموشی کارگران و سوق دادن آن ها به زندگی در اعماق فقر و فلاکت و تهیدستی فروگذار نبوده است، در ادامه همین سیاست و در آستانه تعیین مزد حداقل سال ۱۴۰۱ به دو حربه شناخته شده و زنگزده متوسل شده است. یورش هماهنگ علیه قانون کار و دور زدن ماده ۴۱ آن در مورد تعیین حداقل دستمزد، حربه نخست، تحریف آشکار واقعیت ها در مورد هزینه ها و میزان تورم و ارائه ارقام غیرواقعی، حربه دوم آن است. دولت حاکم با استفاده از این دو حربه، تعرض آشکاری را علیه طبقه کارگر و سطح معیشت آن سازمان داده است. تعرض مقدماتی باید کارگران را به موضع دفاعی بیندازد تا تعرض بعدی راحت تر به سرانجام برسد. این موضوع را از نزدیک مورد بررسی قرار دهیم.

در ماده ۴۱ قانون کار و دو بند آن، شورای عالی کار موظف شده همساله میزان حداقل دستمزد را با توجه به میزان تورم و به نحوی که هزینه یک خانوار کارگری تأمین شود، تعیین کند. بر طبق این ماده و تبصره آن، حداقل مزدی که شورای عالی کار تصویب می کند، مشمول تمام کارگران مستقل از اینکه در کدام نقطه از کشور و چه بخش و صنعتی کار می کنند می شود. کارفرمایان نیز موظف به رعایت آن هستند و اجازه ندارند به هیچ کارگری مزد کمتر از حداقل تعیین شده بپردازند.

در صفحه ۲

## چرایی و چشم انداز گسترش اعتراضات علیه نظم حاکم

یکشنبه ۳ بهمن کارگران بازنشسته در برخی از شهرها از جمله تهران، مشهد، اهواز، اصفهان، رشت و تبریز در اعتراض به سیاست های جمهوری اسلامی و عدم پاسخگویی به خواست های شان دست به اعتراض زدند. در تهران کارگران بازنشسته صنعت فولاد در برابر ساختمان مرکزی صندوق بازنشستگی کارگران فولاد در خیابان وزرا دست به تجمع زدند. در اصفهان و اهواز نیز کارگران بازنشسته فولاد در برابر دفاتر استانی این صندوق دست به تجمع زدند. همچنین در شهرهای مشهد، رشت و تبریز کارگران بازنشسته در برابر ادارات تأمین اجتماعی استان تجمع اعتراضی خود را برپا کردند. کارگران بازنشسته در این تجمعات با بیان این که ظلم و ستم پایدار نمی ماند، ضمن اعتراض به

در صفحه ۱۰

## اعتراف ارتجاع: مردم خواهان تغییر اساسی اند

نداشته است، به ناگزیر پذیرفت صدای انقلاب را شنیده است. اکنون نوبت به ارتجاع پاسدار دولت دینی در ایران رسیده است که اعتراف کند مردم ایران خواهان یک تغییر اساسی اند.

روز ۲۶ دی ماه معاون وزیر کشور و رئیس سازمان امور اجتماعی کشور در "همایش ملی مواجهه با آسیب های اجتماعی" با ارائه گزارشی

در صفحه ۵

نیاز جامعه ایران به تغییر و دگرگونی نظم حاکم، چنان مبهم و آشکار شده است که ارتجاع حاکم نیز به رغم تمام تلاش مایوسانه اش برای مقابله با این ضرورت، سرانجام جبر شرایط عینی ناگزیرش می سازد که به آن اعتراف کند. یادمان هست که محمدرضا شاه پهلوی، دیکتاتور سابق پس از آن که در عمل دید تمام روش های قهری و رفرمیستی برای مقابله با انقلاب، نتیجه ای در پی

## "روایت اول" یا شکوهی گوبلز کوچولوها از یار جفایبیشه

در ۱۷ دی ۱۴۰۰ مستندی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی به نام "روایت اول" پخش و در روز جمعه ۱۸ دی مترادف با سالروز سرنگون کردن هواپیمای مسافربری اوکرائینی بازپخش شد. این مستند با اعتراف ناگزیر فرماندهان سپاه به شلیک موشک به سوی هواپیمای مسافربری آغاز می شود و بخش زیادی از آن نیز به این فاجعه دردناک اختصاص می یابد، اما در روند مستند روشن می شود که هدف نه بازگویی حقایق یا تحلیل ابعاد این فاجعه، بلکه یادآوری اهمیت و نقش رسانه ها در سمت و سو دادن به افکار عمومی است. برای پیشبرد این هدف، مستندساز با ۴ تن از فعالان رسانه ای اصولگرا و اصلاح طلب به نام های عبدالله گنجی مدیرمسئول روزنامه همشهری، سیدعلی میرفتاح سردبیر سابق

در صفحه ۶

## در سوگ رفیق سعید سهرابی

در صفحه ۷

خاموشی رفیق سعید  
سهرابی رزمنده پرشور  
جنبش کمونیستی

در صفحه ۴

## تعرضات طبقه حاکم علیه طبقه کارگر در ماجرای تعیین حداقل دستمزد

اگرچه این معیارها در هیچ‌یک از سال‌های بعد از تصویب و اجرای قانون کار به‌طور کامل رعایت نشده و به فرض تورم واقعی ملاک نبوده و هزینه سبد معیشت کارگری در نظر گرفته نشده، اما در هر حال حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار مشمول همه کارگران زیرپوشش این قانون در سراسر کشور می‌شده است. به‌رغم اینکه بسیاری از کارگران از جمله کارگران کارگاه‌های با ۵ کارگر و ۱۰ کارگر و تمام کارگران مناطق ویژه اقتصادی را از شمول این قانون خارج ساخته‌اند و در عالم واقعی تقریباً کالبد بی‌جانی از این ماده قانونی بیشتر باقی‌مانده است، اما کارفرمایان و کل طبقه سرمایه‌دار حاکم نسبت به این مقررات در همان محدوده‌ای که اجرایش می‌شود ناراضی بوده‌اند، می‌خواهند خودشان و بر طبق اراده خودشان سطح دستمزد در هر کارخانه و هر منطقه را تعیین کنند. در واقع برای تحمیل استثمار بی‌حدوحصر و بی‌حقوقی مطلق بر کارگران، همواره در پی حذف این مقررات یا دور زدن آن و رهایی از هرگونه قیدوبند قانونی بوده‌اند.

از همین نمونه است طرح الحاق یک تبصره به ماده ۴۱ قانون کار که توسط ۳۸ تن از نمایندگان مجلس ارتجاع تهیه و در جلسه علنی ۲۳ شهریور سال جاری در مجلس اعلام وصول شده و بحث‌های زیادی را نیز در پی داشته است. طبق این تبصره وظیفه دولت و شورای عالی کار در مورد تعیین حداقل دستمزد و رعایت آن توسط کارفرمایان منتفی و به‌جای آن مزد به‌اصطلاح توافقی می‌تسبند. یعنی مزد کارگر در هر کارخانه و کارگاه بر پایه "توافق" کارگر و کارفرما تعیین می‌شود. روشن بود که این پیشنهاد و تعرض آشکار علیه کارگران و حقوق قانونی آن‌ها مورد مخالفت شدید آن‌ها و تشکل‌های کارگری قرار می‌گیرد و قرار گرفت. تلاش برای تغییر قانون کار از جمله ماده ۴۱ آن و حذف وظیفه دولت در تعیین هرساله حداقل دستمزد و مکلف شدن کارفرمایان در سراسر کشور به رعایت آن، مسبوق به سابقه طولانی است. این تلاش‌ها که تحت عناوین دهان‌پرکنی چون "رفع موانع تولید"، "اشتغال‌زایی"، "کارآفرینی" و امثال آن صورت گرفته، می‌توان گفت که تقریباً بلافاصله از همان سال‌ها اولیه بعد از تصویب و اجرای قانون کار آغاز شده و تا به امروز ادامه یافته است. برای نمونه در دوره احمدی‌نژاد لایحه بلند بالایی تحت عنوان اصلاح قانون کار به مجلس رفت که به علت مخالفت شدید کارگران راه به‌جایی نبرد. در دوره حسن روحانی نیز همان لایحه با افزودن یک مقدمه به مجلس نده شد که باز هم بی‌نتیجه ماند. تعرض طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه هر بار با سد مقاومت و مخالفت کارگران روبرو شده و تلاش آن‌ها ناکام مانده است. در دوره ابراهیم رئیسی نیز تلاش‌های مقدماتی آغاز شده که با مخالفت شدید و مقاومت کارگران روبرو شده است. تردیدی در این مسئله نیست که کارگران و تشکل‌های کارگری چنانکه تاکنون نیز نشان داده‌اند در برابر این تعرض ایستاده‌اند و خواهند ایستاد. تبصره پیشنهادی ۳۸ نماینده مجلس آن‌قدر

رسوا است که درمیان دار و دسته شوراهای اسلامی و خانه کارگر نیز مخالفت‌هایی را در پی داشته است. حتی افراد رد‌بالای این تشکل‌های دولتی نیز طرح نمایندگان مجلس را "بازی با معیشت کارگران" خوانده، و عواقب آن را از روی غم‌خواری نسبت به حکومت، هشدار داده‌اند که این "بازی خطرناک" واکنش‌های اعتراضی کارگران را در پی خواهد داشت. در برابر مخالفت شدید و آشکار کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری، باوجود آنکه طراحان "مزد توافقی" و مدافعان منافع سرمایه در مجلس اندکی عقب‌نشسته‌اند، اما طبقه حاکم و دولت این طبقه برای پیشبرد مقاصد خویش از در دیگر وارد شده و افزودن تبصره به ماده ۴۱ و "اصلاح قانون کار" را در دستور کار شورای عالی کار قرار داده‌اند. علی‌فدایی عضو به‌اصطلاح کارگری شورای عالی کار اعتراف کرد که این موضوع، دستور کار اجلاس ۲۰ آذر شورای عالی کار بوده است. شخص ابراهیم رئیسی که خود قانون‌گذار شده و در لایحه بودجه، دوسال بر سن بازنشستگی افزوده بود، حالا بحث تغییر قانون کار را به شورای عالی کار کشانده است. این بدعت تازه در دوره ابراهیم رئیسی که با شاهکارها و بدعت‌های محتمل دیگری که در این زمینه باید منتظر آن بود اما یکسره مور مخالفت کارگران قرار گرفته و روشن است که چنین تلاش‌هایی نیز به‌جایی نخواهد رسید. طرح ۳۸ نماینده مجلس و الحاق یک تبصره به ماده ۴۱ قانون کار برای اجرای "مزد توافقی" و مطرح ساختن دستمزد منطقه‌ای و رشته‌ای، تعرضی علیه حقوق اولیه و قانونی کارگران بود تا ضمن آنکه کارگران را درگیر این تهاجم می‌کند، زمینه را برای تعرض بعدی فراهم سازد.

درست در ببحوجه همین تهاجم اولیه بود که داریوش ابوحزمه معاون وزیر کار در یک برنامه تلویزیونی با وقاحت و پروئی کم‌نظیری که امروز به یکی از خصایل اصلی مقامات بلندپایه دولتی تبدیل شده است، چنین اعلام کرد که "خط فقر به‌طور میانگین در کشور برای خانوار ۴ نفره حدود ۴ میلیون تومان است" (خبر آنلاین ۱۹ دی ۱۴۰۰). تعرض دوم به سطح معیشت کارگری را معاون وزیر کار با این دروغ بزرگ آغاز کرد. او در واقع خواست به شورای عالی کار یادآوری کند که میزان حداقل دستمزد باید در این حدود تعیین شود و نه بیشتر! این ادعای وقیحانه و بی‌اساس معاون وزیر کار چنان عجیب و غیرواقعی بود که نه فقط اعتراض گسترده کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری را در پی داشت، بلکه مورد استهزا و انتقاد برخی عناصر حکومتی از جمله عناصر وابسته به تشکل‌های دست‌ساز دولتی مانند فرامرز توفیقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار که در عین حال عضو کمیته دستمزد شورای عالی کار نیز هست نیز قرار گرفت. این ادعا از جانب معاون وزیر کار زمانی مطرح شد که به‌طور مکرر حتی از زبان برخی مسئولین در رسانه‌های دولتی خط فقر رقم ۱۰ میلیون و بیشتر تا ۱۲ میلیون تومان قید شده است. همین عضو کمیته دستمزد شورای عالی کار در مورد

میزان خط فقر می‌گوید: "خط فقر ۱۰ میلیون تومانی که کمیته امداد اعلام کرده است را می‌توان درست دانست" وی اعتراف می‌کند که "اگر تورم واقعی را در محاسبات خود وارد کنیم خط فقر بسیار بیشتر از ۱۰ میلیون تومان است" (ایلنا ۲۸ دی ۱۴۰۰ - تأکید از ماست).

واقعیت این است که نرخ سبد هزینه معیشت کارگران به‌عنوان یکی از شاخص‌های تعیین میزان حداقل دستمزد، هرگز در تعیین حداقل دستمزد در نظر گرفته نشده است. بدیهی است که حداقل دستمزد نباید از میانگین هزینه یک خانوار ۴ نفره کارگری پائین‌تر باشد. قیمت انواع کالاها از جمله نیازهای حیاتی کارگران پیوسته و با سرعت در حال افزایش است. مواد غذایی، مسکن، پوشاک و دارو و درمان و سایر کالاها و خدمات موردنیاز کارگری گاه تا ۱۰۰ درصد و در مواردی حتی بیشتر افزایش یافته است. متوسط نرخ تورم در ۴ سال گذشته حدود ۳۹ درصد بوده است. این نرخ در سال جاری به ۴۵ درصد رسیده و با توجه به روند افزایش قیمت‌ها و سیاست‌های اقتصادی و حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی به احتمال خیلی زیاد در سال ۱۴۰۱ از این حدود نیز فرتر خواهد رفت. بنابراین افزایش حداقل دستمزد به بالاتر از میانگین هزینه یک خانوار، کمترین و فوری‌ترین خواست کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری در شرایط فعلی است. بر پایه همین هزینه‌ها و نرخ تورم و پیش‌بینی افزایش آن در سال آینده، حداقل دستمزد نباید کمتر از ۱۶ میلیون تومان در ماه باشد.

در تاریخ ۱۷ دی ۱۴۰۰ از طرف سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و چهار تشکل مستقل دیگر در راستای مقابله با تعرض طبقه سرمایه‌دار حاکم به سطح معیشت کارگری، بیانیه مشترکی در مورد حداقل مزد سال ۱۴۰۱ انتشار یافته و بر این رقم تأکید شده است. کارگران نفت و شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نیز با صدور بیانیه‌ای در ۱۹ دی ۱۴۰۰ از این خواست حمایت و بر رقم ۱۶ میلیون به‌عنوان حداقل مزد ماهانه سال ۱۴۰۱ تأکید نموده‌اند. تعرض طبقه حاکم و دولت این طبقه علیه سطح معیشت و حقوق کارگری تنها به اظهارات معاون وزیر کار خلاصه نمی‌شود. لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ و موضوع افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارکنان دولت و تعیین سقف ۵ / ۴ میلیون تومان برای حداقل دستمزد نیز فاکتور مهم دیگری در یورش به سطح زندگی و معیشت کارگری و چراغ راهنمای دیگری برای شورای عالی کار است که حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱ نباید از این فراتر باشد. تمام این تلاش‌ها و شواهد حاکی از آن است که مزاد حداقل در سال ۱۴۰۱ باز هم رقمی زیر خط فقر خواهد بود.

واقعیت این است که در تمام طول سال‌های بعد از تصویب و اجرای قانون کار، هرگز سبد هزینه معیشت کارگری و تورم واقعی معیار تعیین حداقل دستمزد نبوده و به همین دلیل به‌تدریج شکاف بسیار عمیق و بزرگی میان هزینه‌ها و دستمزدها به وجود آمده که به‌سادگی

## از آسمان و زمین مرگ بر مردم ایران می بارد



است: "تا کنون بیش از چهار هزار واحد مسکونی در اثر سیل خسارت دیده اند، در بخش های مختلف شهری و روستایی بیش از ۵۷۴ منزل مسکونی در اثر سیل تخریب شده و بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ منزل مسکونی نیز دچار آبرفتگی شده اند، که این خانه ها نیز بخشی از آنها سقف و بخشی دیوار آنها تخریب شده است". آنچه از خرابی و ویرانی های سیل روزهای اخیر در رسانه های حکومتی بازتاب یافته است، تماما برگرفته از اظهار نظر مسئولان دزد و فاسد دولتی است که تنها بخشی از حقیقت است و طبیعتا خسارات واقعی به مراتب بیشتر از آمارهای اعلام شده در رسانه های حکومتی است. اما اگر همین میزان از خسارات و ویرانی ها را هم در نظر بگیریم، می توان دریافت که ساکنان مناطق سیل زده دو استان کرمان و هرمزگان چه حجمی از درد و رنج و آبرگرفتی مواجه اند. سال هاست مناطق وسیعی از ایران به طور همزمان در معرض ویرانی های حاصل از سیل و خشکسالی قرار دارند. سال هاست با بارش هر بارانی سیل در گستره ای وسیع جاری می شود و با عدم نزول باران، خشکسالی در مناطق وسیعی از ایران بر چهره مردم چنگ می کشد. در تمامی این سال ها، حاکمان دزد و فاسد جمهوری اسلامی فقط نظاره گر مرگ و نابودی زندگی مردم در مناطق سیل زده بوده اند. نه بودجه لازم برای پیشگیری از سیل تخصیص داده می شود، نه اقدام موثری در مواجهه با خشکسالی صورت می گیرد. با وقوع هر سیل، رفتارهای نمایشی مسئولان حکومتی رواج پیدا می کند، با شروع هر خشکسالی، گزافه گویی های شمشز کننده ای تحویل مردم تشنه و بی آب داده می شود. اما با کاهش سیل، همه وعده های داده شده برای ایجاد سیل بند و اقدامات ضروری برای لایروبی رودخانه ها و ساختن سرپناه برای سیل زدگان و تامین خسارات وارده به سرعت فراموش می شود. در پس هر سیل، تنها مردمان آسیب دیده و بی خانمان و سوگواری باقی می ماندند با انبوهی از خرابی و ویرانی همراه با وعده های دروغین مسئولان جمهوری اسلامی برای جبران خسارات و جلوگیری از وقوع مجدد سیل و سیلاب. با وقوع هر سیل، مردمان سیل زده ای باقی می ماندند که به سرعت فراموش می شوند، سیل زدگان بی سرپناهی که در سرما و گرما به حال خود رها می شوند، گوششان با وعده های دروغین مسئولان دولتی پُر می شود تا روزی که سیل دیگری فرا رسد و دوباره همگان شاهد همان نمایش مسخره، تکراری و کسل کننده مسئولان حکومتی بر صفحه جعبه جادویی تلویزیون جمهوری اسلامی باشند. عدم تخصیص بودجه های لازم عمرانی، احداث پل های غیر استاندارد، عدم لایروبی رسوبات

کرمان، همچنین اعلام کرد: "اگر باران کاهش پیدا کند سیل کنترل می شود در غیر این صورت شهرهای قلعه گنج، رودبار جنوب و زهک لوت در خطر است و در حال حاضر به منطقه سیل زده دسترسی نداریم". در همین حال، فرماندار رودبار جنوب در استان کرمان نیز از مسدود شدن راه دسترسی به ۲۹۰ روستا خبر داده و گفته است که در حوزه تالاب جازموریان ۱۳ روستا در وضعیت خیلی بدی قرار دارند. فرماندار رودبار جنوب همچنین از آسیب گسترده سیل در منطقه زهک لوت و به ویژه مناطق نهضت آباد و شاه آباد در بخش مرکزی زهک لوت خبر داده که همچنان در محاصره سیل قرار دارند. رضا فلاح، مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان کرمان نیز از پیدا شدن جنازه سه نفر از مفقود شدگان سیل در شهرستان ریگان و قلعه گنج خبر داده است. به گفته او، از میان جان باختگان سیل، دو برادر بوده اند که در سیلاب رودخانه روستای ناصراباد چاه ملک شهرستان ریگان مفقود شدند که اجسادشان توسط امدادگران پیدا شد. امین باقری، فرماندار ریگان نیز از قطعی آب و برق و تلفن ثابت و تخریب راه های این شهرستان خبر داده و گفته است: "هیچ بارندگی در ریگان روی نداده است، اما چون سیلاب از مسیر ریگان به سمت کویر روانه می شود، ریگان با وجود خشکسالی از سیل متأثر می شود و هر سال خسارت های زیادی به این شهرستان وارد می شود. برخی از روستاها و شهرهای جنوب کرمان نیز به دلیل بارندگی پس از سال ها خشکسالی و برداشت آب از منابع زیر زمینی دچار نشست شده اند و شکاف های بزرگی در مناطق مسکونی ایجاد شده است". سیل اخیر علاوه بر استان کرمان، مناطق وسیعی از استان هرمزگان را نیز فراگرفت و خسارات فراوانی به شهر و بسیاری از روستاهای این استان وارد کرد. ساکنان رنج کشیده و ستمدیده این استان در حالی با ویرانی های سیل اخیر مواجه شده اند که هنوز زخم های برجای مانده از سیل سه هفته پیش بر جسم و جان شان باقی بود. در آن سیل، بیش از هزار واحد مسکونی ویران شد، یک کودک هشت ساله جان خود را از دست داد، مزارع بسیاری زیر آب رفت و بخش وسیعی از محصولات کشاورزی نابود شد. طبق برآوردهای اولیه بیش از هزار میلیارد تومان خسارت به مردم، منابع و زیرساخت های این استان فقر زده وارد شد. رقمی که بالاتر از کل بودجه عمرانی و حقوق یکساله همه کارمندان این استان بود. در سیل روزهای اخیر نیز، دو شهرستان میناب و رودان در استان هرمزگان و بسیاری از روستاهای این استان خسارات فراوانی دیده اند. مهرداد حسن زاده، فرماندار میناب از تخلیه روستاهای پایین دست سدهای استقلال و سرنی خبر داده و گفته است، در پی افزایش تخلیه آب از سدهای فوق مجموعه روستاهای پایین دست در معرض خطر سیلاب ناشی از باز شدن دریاچه های سد استقلال قرار دارند. عبدالرضا سالاری، سرپرست فرمانداری میناب نیز گفته

صدها روستا قطع و دست کم ۱۰ نفر در میان امواج جاری سیل جان باختند. هنوز اشک ها از گونه ها پاک نشده بود، هنوز مادران در سوگ کشتگان سیل مویه می کردند، هنوز خسارت و ویرانی سیل سه هفته پیش بر شانه های مردم رنج کشیده این استان ها آوار بود که سیل دیگری در استان های کرمان و هرمزگان، و قسمت هایی از خراسان و آذربایجان جاری شد. سیلی ویرانگر که همان پس مانده های زندگی ساکنان این مناطق را نیز از آنان گرفت و درد و رنج بیشتری را بر جسم و جان رنجورشان نشاناد. هنوز سه هفته ای از وقوع سیل ویرانگر پیشین نگذشته بود که با بارش شدید باران در روزهای پایانی هفته قبل، مجددا استان های کرمان و هرمزگان با سیل مواجه شدند. به دلیل محرومیت شدید این مناطق از امکانات زیر بنایی لازم و مفکی، عدم وجود تعداد کافی سازه های استحصال آب و سیل بند و عدم لایروبی رودخانه های محلی، شهرها و روستاهای زیادی از این دو استان به زیر آب رفت. صدها واحد مسکونی آسیب دیده، ده ها روستا تخلیه شد، راه دسترسی به بیش از ۳۰۰ روستا قطع و دست کم چهار نفر از جمله سه کودک جان باختند که دو کودک برادران ۸ و ۵ ساله در روستای کهنوج بودند. حسام، ۵ ساله گرفتار سیلاب می شود، محمد حسین، برادر ۸ ساله برای نجات او فداکارانه خود را به رودخانه می اندازد، اما هر دو جان



می بازند و روز بعد جنازه شان ۵ کیلومتر دورتر از روستا پیدا می شود. علی زینی وند، استاندار کرمان اما با وقاحتی کم نظیر علت جان باختن این دو برادر را "بی احتیاطی خودشان" و سقوط در سیلاب رودخانه اعلام کرده است. ویرانی سیل روزهای گذشته در کرمان به مراتب بیشتر از سیل سه هفته پیش بوده است. به گزارش خبرگزاری مهر، در سیل اخیر حداقل ۶ هزار واحد مسکونی خسارت دیده اند، ۲۴۰ روستای رودبار جنوب مملو از گل و لای شده است و ۲۵ هزار نفر در مناطق سیل زده استان کرمان گرفتار سیل شده اند که به اسکان اضطراری نیازمندند. هرچند میزان خسارت سیل ۱۰ روز قبل جنوب کرمان ۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان برآورد شده بود اما خسارات سیل ۲۹ دی ماه ۱۴۰۰ به مراتب بالاتر عنوان شده است. علی زینی وند، استاندار کرمان هم، روز ۲۹ دی در جلسه ستاد بحران این استان، وضعیت روبار جنوب، زهک لوت و قلعه گنج را بحرانی اعلام کرد و گفت، در جنوب استان کرمان، بسیاری از روستاها در محاصره سیل قرار دارند، راه ارتباطی با ۳۳۰ روستای استان قطع شده و ۱۰۶ روستا نیز در معرض خطر قرار دارند. استاندار

## از آسمان و زمین

### مرگ بر مردم ایران می بارد

سیل دو هفته پیش، تخریب سیل بندها و بالاخره زدی و فساد رایج در مجموعه نهادهای استانی و کشوری از جمله موضوعاتی هستند که مشکلات روزافزونی را برای مردم مناطق سیل زده ایجاد کرده است. تا جاییکه اکنون بازسازی سیل بندهای تخریب شده و ایجاد سیل بندهای جدید برای ساکنان مناطق سیل زده از نان شب هم واجب تر شده است. در یکی از ویدئوهای منتشر شده، مردی رنج کشیده و معترض فریاد می کشد اگر برای دادن لقمه نانی به اینجا آمده اید، بهتر است دیگر نیایید، ما به نان شما محتاج نیستیم، ما سدبند می خواهیم. برای ما سدبند بسازید، سدبندهای تخریب شده را باز سازی کنید تا با بارش هر بارانی زندگی ما به تاراج نرود.

بی توجهی جمهوری اسلامی به نیازهای فوری و مبرم، عدم پرداخت خسارت کامل به سیل زدگانی که خانه و مزارع و زمین های کشاورزی خود را از دست داده اند، از جمله اعتراضات و دردهای همیشگی سیل زدگان در پس وقوع هر سیل است. ساکنان مناطق سیل زده و سیل زدگانی که خانه و کاشانه و هستی خود را از دست داده اند، در شرایطی رنج بی خانمانی و بی سرپناهی را متحمل می شوند، که خود به عینه شاهد خانه سازی، ساختن درمانگاه و دیگر اقدامات عمرانی جمهوری اسلامی در لبنان و سوریه و عراق و یمن هستند. امکاناتی که به طور رایگان در اختیار مزدوران حزب اللهی رژیم در این کشورها قرار می گیرد. ساکنان مناطق سیل زده در حالی با بی مسئولیتی جمهوری اسلامی در تخصیص بودجه برای پیشگیری از وقوع سیل مواجه اند که به عینه می بینند، هر ساله میلیاردها دلار حاصل دسترنج شان صرف تجهیزاتی نظامی نیروهای حشدالشعبی در عراق، حزب الله در لبنان، حوثی ها در یمن و بشار اسد در سوریه می شود. و این نشان می دهد که برای هیئت حاکمه ایران جان و زندگی و آرامش و آسایش مردم ایران کمترین ارزشی ندارد. حاصل پیشبرد سیاست جنایتکارانه جمهوری اسلامی در بی توجهی نسبت به جان و زندگی توده های مردم ایران به مرحله رسیده است که مرگ از آسمان و زمین بر سر مردم ایران می بارد. در خیابان ها توده های معترض را به رگبار می بندند، در زندان، زندانیان را با مرگ های خاموش می کشند، اعدام های بی سر و صدا همچنان تکرار می شود، طی دو سال دست کم ۳۰۰ هزار نفر در پی ابتلا به کرونا جان باختند، با بارش هر باران و نزولات آسمانی، سیل جاری می شود، با جاری شدن هر سیل، خانه ها ویران و مزارع زیر گل و لای مدفون می شود، پل ها ویران و زیرساخت های شهری تخریب می گردد، راه های ارتباطی قطع می شود، و هر بار کودکان و زنان و مردانی جان می بازند. حاصل ۴۳ سال حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی برای توده های مردم ایران تنها مرگ بوده است و مرگ. برای راهی از وضعیت موجود و برون رفت از سرنوشتی این چنین دردناک که مردم ایران به آن گرفتار شده اند، راهی بجز سرنوشتی جمهوری اسلامی نیست.



## خاموشی رفیق سعید سهرابی رزمنده پرشور جنبش کمونیستی

روز دوشنبه ۱۷ ژانویه، با خاموشی رفیق سعید سهرابی، جنبش کمونیستی ایران، یکی از رزمندگان شریف خود را در تبعید از دست داد. رفیق سعید یکی از مبارزین قدیمی و خوشنام و فعال جنبش چپ بود که فعالیت سیاسی اش را با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آغاز کرد. در انشعاب بزرگ درون این سازمان به صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) پیوست و در پی تحولات بعدی در این سازمان با هسته اقلیت همراه شد. سالها از گردانندگان اصلی تشکیلات هسته اقلیت، عضو "شورای استکھلم" و "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" بود. رفیقی که حضور همیشگی اش در اکسیونها و تظاهرات و میتینگهای حمایت و پشتیبانی از مبارزات مردم ایران، علیه اعدام شکنجه و زندان، در دفاع از جنبش نان و کار و آزادی و اداره شورایی در استکھلم، انرژی بخش بسیاری از یارانش بود. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، فقدان این رفیق عزیز را به خانواده، لیلیا، حمید و دخترانش مارال و طلایه و مهرنوش گرامی که تا آخرین روز همراه و یاور او در دوره سخت بیماری بودند و به فعالین جنبش کمونیستی تسلیت می گوید. یاد و خاطره این رفیق صمیمی و فعال و پرشور جنبش ما همواره با ما خواهد بود.

### یاد و خاطره رفیق سعید سهرابی گرامی باد

۱۹ ژانویه ۲۰۲۲ - ۲۹ دیماه ۱۴۰۰

اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

از صفحه ۲

## تعرضات طبقه حاکم علیه طبقه کارگر در ماجرای تعیین حداقل دستمزد

ندارد بیش از ۴ ساعت در روز کارگر را وادار به اضافه کاری کند، اما این کار را انجام می دهد و عملاً مرتکب تخلف می شود. اما تاوان این تخلف را باید کارگر بپردازد.

بر متن چنین شرایط اسفجاری است که تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱ از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود. حداقل دستمزد باید به میزانی تعیین شود که تمام هزینه های یک خانوار ۴ نفره کارگری را تأمین کند. حداقل دستمزد ماهانه نباید از ۱۶ میلیون تومان کمتر باشد. این خواست کارگران و تشکل های مستقل کارگری است. نیازی به توضیح نیست که این خواست، بدون مبارزه متحدانه کارگران و بدون تشدید و گسترش این مبارزات تحقق نخواهد یافت. افزایش دستمزد یک خواست مهم و محوری عموم کارگران و از جمله خواست هایی است که زمینه های اتحاد و اعتراض کارگران، رشد اعتصابات کارگری و حضور در اعتراضات خیابانی را تقویت می کند. باید از این خواست کارگران و از مبارزه برای تحقق آن قویاً حمایت کرد. نباید در برابر تعرضات مکرر و پی در پی طبقه حاکم و دولت این طبقه علیه طبقه کارگر خاموشی گزید، بلکه علیه این تعرضات و تعرض کنندگان باید به اعتصاب و اعتراض و قیام برخاست.

نمی توان آن را پر کرد. بخش زیادی از کارگران برای تأمین هزینه های زندگی مجبور به اضافه کاری هستند. کارگران برای دریافت چندرغاز بیشتر و به منظور آنکه پایین بودن دستمزد را تا حدی جبران کنند، مجبور به اضافه کاری می شوند. هم اکنون در بسیاری از کارگاه ها و کارخانه ها و شرکت های کوچک و بزرگ از نفت گرفته تا پتروشیمی و گاز و معدن و سایر بخش ها، اضافه کاری اجباری در حال اجرا است. کارگران روزانه ۱۲ ساعت و گاه بیشتر کار می کنند. اما کارفرمایان حق اضافه کاری کارگران را به طور کامل نمی پردازند. مطابق تبصره ماده ۵۹ قانون کار، ساعات اضافه کاری نباید از ۴ ساعت در روز (۱۲۰ ساعت در ماه) بیشتر باشد. اما کارفرمایان که دنبال سود بیشتری هستند اصرار و علاقه زیادی به اضافه کاری دارند و کارگران مجبور می شوند بیشتر از ۱۲۰ ساعت در ماه اضافه کاری کنند. جالب این است که با استناد به همین تبصره، هیئت های حل اختلاف نیز تنها برای پرداخت ۱۲۰ ساعت اضافه کاری مجوز صادر می کنند و اگر کارگری بیش از این اضافه کاری کرده باشد، کارفرما آن را در لیست پرداخت منظور نمی کند. موضوع این است کارفرما که ظاهراً بر طبق قانون حق

## پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

## اعتراف ارتجاع : مردم خواهان تغییر اساسی اند

از کارنامه رسوای جمهوری اسلامی پیرامون بحران‌های اجتماعی، اعتراف کرد که "میل به ایجاد تغییرات اساسی در کشور در حال افزایش" است و گفت: "شاخص میل به اعتراض نیز از نشان‌گرهای مهم است. این اعتراض می‌تواند در قالب رفتارهای هنجارشکنانه یا کج روی خود را نشان دهد. از سوی دیگر ظرف سالیان اخیر با افزایش فشار اقتصادی و معیشتی تاب‌آوری مردم کاهش پیدا کرده است."

وی افزود: "اگر احساس کنیم به دلیل ناکارآمدی‌ها، نگرش مردم به سمتی می‌رود که گویا حکومت دینی در حل چالش‌های کشور موفق نیست و شاید حکومت دیگری نظیر حکومت سکولار و غیردینی می‌تواند مشکلات کشور را حل کند، آن زمان زنگ خطر برای ما به صدا درمی‌آید. ...اگر در جامعه عدالت نباشد مردم به فکر برقراری عدالت خواهند بود و تلاش می‌کنند که عدالت را برقرار و ظلم را جبران کنند."

وی البته به‌عنوان یک کارگزار رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران، نمی‌توانست صریح‌تر از این، به تلاش مردم برای نفی نظم حاکم اعتراف کند. این واقعیتی است برهمگان آشکار که توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران از مدت‌ها پیش با روی‌آوری به اشکال مختلفی از مبارزات علنی و تعرضی، نشان داده‌اند که دیگر نمی‌خواهند نظم موجود را تحمل کنند. نشان داده‌اند که خواهان سرنوشتی طبقه حاکم بر ایران هستند. این واقعیت را مبارزاتی که در چند سال اخیر در جریان بوده، به‌وضوح نشان داده است. تظاهرات گسترده‌ای که در دی‌ماه ۹۶ در شهرهای مختلف ایران شکل گرفت. اعتراضات تیرماه سال ۹۷، اعتصابات کارگری هم‌زمان در شهرهای مختلف، از جمله در خوزستان و اراک، قیام سراسری آبان ماه ۹۸، تظاهرات گسترده مردم خوزستان، تحریم فعال و قدرتمند خیمه‌شب‌بازی‌های انتخاباتی رژیم، اعتصاب ده‌ها هزار کارگر نفت، گاز و پتروشیمی، تجمعات و تظاهرات کشاورزان و مردم اصفهان، اعتصابات و تجمعات معلمان و بازنشستگان و هزاران نمونه از اعتصابات و تجمعات کارگری چند سال اخیر که هم‌اکنون نیز در هر هفته ده‌ها نمونه آن را شاهدیم، همه حاکی از تلاش عملی توده‌های کارگر و زحمتکش برای سرنوشتی طبقه حاکم و دگرگونی نظم ارتجاعی مستقر در ایران هستند. این مبارزات آشکارا نشان داده‌اند که توده‌های زحمتکش، دیگر هیچ توهمی به طبقه حاکم و جناح‌های آن و اصلاح نظم حاکم ندارند و کارگران و زحمتکشان به چیزی کمتر از یک انقلاب که تمام نظم موجود را دگرگون سازد، رضایت نمی‌دهند.

این مبارزات از بطن یک بحران سیاسی فراگیر و همه‌جانبه برخاسته که خود برآمده از تشدید بی‌سابقه تضادهای نظم اقتصادی-اجتماعی سرمایه‌داری و بحران‌های متعددی است که شالوده‌های این نظم را به لرزه درآورده‌اند. تمام سیاست‌های طبقه حاکم برای غلبه بر این بحران‌ها به شکست انجامیده و آشکارا نشان داده

است که راه رفورم و اصلاح نظم موجود مسدود شده و طبقه حاکم نمی‌تواند به روال گذشته بر مردم حکومت کند و آن‌ها را به تمکین وادارد. جمهوری اسلامی به همگان نشان داده است که نمتنها هیچ راهی برای حل تضادها و بحران‌های موجود ندارد، بلکه با ادامه حیات آن، تضادها پیوسته تشدید و بحران‌ها عمیق‌تر شده‌اند. بحران اقتصادی در همین چند سال اخیر چنان عمق و ژرفایی یافته که در تمام دوران سلطه شیوه تولید سرمایه‌داری در ایران بی‌سابقه است. این بحران متجاوز از هشتاد درصد مردم را به فقر خط فقر و فلاکت سوق داده است. بیکاری ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. در کشوری با جمعیت ۸۵ میلیونی، تنها ۱۴ میلیون شاغل تمام‌وقت وجود دارد. فقر، میلیون‌ها کودک کم سن و سال را روانه بازار کار کرده و هم‌اکنون تعداد کودکان کار به بیش از ۳ میلیون رسیده است. بحران اقتصادی و سیاست‌های ارتجاعی طبقه سرمایه‌دار، میلیون‌ها انسان بیکار و فقیر را به حاشیه شهرهای بزرگ رانده است. معاون وزیر کشور در این گزارش، تعداد این حاشیه‌نشین‌ها را ۱۱ تا ۱۳ میلیون اعلام کرد. در واقعیت اما منابع رسمی دیگر، تعداد جمعیت حاشیه‌نشین را که در منتهای فقر و بدبختی زندگی را می‌گذرانند، ۲۰ تا ۲۵ میلیون اعلام کرده‌اند. فجایع اجتماعی که نظم ارتجاعی حاکم به بار آورده است به آنچه ذکر شد، خلاصه نمی‌شود. میلیون‌ها تن از مردم ایران به اعتیاد روی آورده‌اند و رشد سالانه اعتیاد در طول دهه گذشته، به ۸ درصد رسیده است. منابع رسمی تعداد معتادان به مواد مخدر را حدود ۳ میلیون و معتادان شناسایی نشده را یک میلیون و ۴۰۰ هزار اعلام کرده‌اند. گروه کثیری از فرط فقر به تن‌فروشی روی آورده‌اند. معاون وزیر اما از رشد فحش‌های اسلامی یا همان صیغه در فضای مجازی شکه می‌کند و می‌گوید: "صیغه یابی در فضای مجازی به‌عنوان یک آسیب در حال گسترش است." کلیه فروشی و دیگر اعضای بدن به پدیده‌های عادی برای نجات از گرسنگی تبدیل شده است.

به گفته معاون وزیر "سالیانه در کشور حدود ۱۰۰ هزار نفر اقدام به خودکشی می‌کنند که البته مرگومیر ناشی از این اقدامات حدود ۵ هزارتا

۵۵۰۰ نفر است."

کودک فروشی از فرط فقر به پدیده جدیدی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل شده است. معاون وزیر کشور به افزایش سقط‌نمین اشاره می‌کند و می‌گوید: "مطابق با آمارهای موجود در وزارت بهداشت ۲۳۰ هزار سقط در سال و مطابق با برخی پژوهش‌ها ۳۰۰ هزار تا ۴۰۰ هزار سقط جنایی و یا غیرقانونی در سال انجام می‌شود." وی البته نمی‌گوید که بخش بزرگی از این سقط‌ها نتیجه فقری هستند که نظم سرمایه‌داری در ایران به بار آورده است. آنچه را که وی به آن‌ها اشاره می‌کند، تنها نمونه‌هایی از کارنامه یک رژیم ورشکسته و رسواست که در تمام عرصه‌ها فاجعه به بار آورده است. این رژیم به آن درجه از گندیدگی و انحطاط رسیده که سرتاپای آن را فساد فراگرفته است. فساد مالی تمام ارکان نظم سیاسی حاکم را فراگرفته و دولت دینی اسلام‌گرا به یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های دولت‌های فاسد در سراسر جهان تبدیل شده است.

برای عموم مردم ایران آشکار شده است که حکومت اسلامی چیز دیگری جز حکومت دزدان، غارتگران و آدم کشان نیست. این رژیم سال‌ها با بازی فریب و نیرنگ جناح‌بازی، دیکتاتوری عریان، کشتار، زندان، اختناق و تحمیل مردم با خرافات دینی بر مردم حکومت کرد، اکنون اما دیگر نمی‌تواند با همان شیوه‌های گذشته بر مردم حکومت کند.

بنابراین، طبقه حاکم سرمایه‌دار تنها با بحران اقتصادی و بحران‌های متعدد اجتماعی مواجه نیست. آنچه که جمهوری اسلامی با آن مواجه است، یک بحران سیاسی ژرف و فراگیر است که رژیم راهی برای نجات از آن را ندارد. این بحران نشان‌دهنده این واقعیت است که نظم موجود در بن‌بست قرار گرفته، هیچ رفورم و اصلاحی برای شکستن این بن‌بست کارساز نیست و راه غلبه بر آن یک تغییر و دگرگونی اساسی است. این تغییر بر طبق نیازهای عینی جامعه ایران برای غلبه بر تضادها و بحران‌ها یک انقلاب اجتماعی است که تمام شالوده‌های نظم موجود را در هم می‌شکند تا با برانداختن تمام موانع، راه را بر تحول و پیشرفت جامعه بگشاید. نیاز به این انقلاب چنان مبرم و آشکار است که اکنون معاون وزیر کشور هم اعتراف می‌کند که "میل به ایجاد تغییرات اساسی در کشور در حال افزایش" است. او در واقع با این اعتراف می‌پذیرد که شیوه‌های گذشته برای حکومت کردن بر مردم کارساز نیست.



## "روایت اول" یا شکوهی گویز کوچولوها از یار جفایپیشه

روزنامه اعتماد، مسعود فروغی سردبیر روزنامه فریختگان و آرش خوشخو سردبیر مدیرمسئول روزنامه هفت صبح گفتگو می‌کند. این ۴ تن در همان هنگام که در همدستی کامل با مستندساز صداوسیما این فاجعه را تحریف می‌کنند، از یار جفایپیشه گلمنند. گلمنند که چرا زودتر آنان را در جریان قرار نداده تا "قصه را تبیین" کند. آن هم خبر حادثه‌های کتمان‌ناپذیر که پس از چند ساعت در رسانه‌های خارج از کشور و پلتفرم‌های اجتماعی منتشر شد و با وجود کشتار چند هفته پیش در آبان ماه ۹۸، بار دیگر مردم خشمگین را به خیابان‌ها کشاند. گلمنند که اجازه داده نشد خبر "این اشتباه غیرعمدی" به موقع و "با امکانات محتوایی درست" توسط رسانه‌ها و فعالان رسانه‌ای رژیم منتشر شود تا "اثر منفی اتفاق" کمتر شود و میدان به رسانه‌های بیگانه سپرده نشود. حال روشن نیست، از انده و خشم ناشی از مرگ ۱۷۶ مسافر بر اثر شلیک موشک سپاه چگونه می‌توان کاست و از "اثر منفی" آن کاست.

در مستند، مصاحبه‌شوندگان خواهان توجه "نظام حکمرانی" به "اثر مهم، اثر کاربردی، اثر حداکثری روی امر واقع" رسانه‌ها هستند. از این‌رو، برای تقویت استدلال به مواردی چند اشاره می‌کنند. در جایی، یکی از فعالان رسانه‌ای به "مدیریت اشتباه" رسانه‌ها و "سیاسی" شدن آمار کشته‌گان کرونا اشاره می‌کند. او معتقد است چون در مورد آمار کشته‌شدگان کرونا، خلأ اطلاع‌رسانی وجود داشت، مردم حرف مسئولان و رسانه‌ها را باور نکردند و بی‌اعتمادی به وجود آمد. گویا مردم نه از دستور خامنه‌ای مبنی بر "ممنوعیت ورود واکسن‌های خارجی"، نه از وعده‌های بی‌فراجم و متناقض مسئولان، نه از وضعیت بحرانی بیمارستان‌ها، نه از نبود واکسن، نه از کمبود دارو و نه از گورستان‌های انباشته از اجساد خیر داشتند و منتظر مانده بودند تا این آقایان دروغ‌های خود را به خوردشان بدهند و فضای جامعه را "مدیریت" کنند. زهی بلاهت.

دیگری به نمونه "موفق" مدیریت رسانه‌های اشاره می‌کند. وی مدعی است: "واقعه بی‌آبی اصفهان خیلی راحت حل شد. ماجرابی که می‌توانست خیلی ابعاد وحشتناکی بگیرد." علت را نیز گزارش صداوسیما و حضور ضرعامی در میان مردم معترض می‌داند. اما ماجرابی که او سعی می‌کند القا کند "خیلی به راحتی حل شد" در واقع نه با گزارش آبیکی صداوسیما و نه با حضور بزرگ‌دروغ‌پردازان این رسانه، بلکه با گلوله‌های ساچمه‌ای بی‌پروا و پرشمار بسیج و سپاه و نیروهای امنیتی "حل" شد. بماند که گرچه فعلاً اعتراضات خاموش شدند، اما بر اثر بحران زیست محیطی ناشی از عملکرد رژیم تا "حل" ماجرا" بسی مانده است. باش تا صبح دولتت

بدمد. آنان از خدش‌دار شدن "اعتماد عمومی" و "اعتبار" رسانه‌های جمهوری اسلامی نزد مردم می‌نالند. اما این بی‌اعتمادی و بی‌اعتباری محصول سال‌ها سانسور و ممانعت از هر گونه نشر آزاد و هم‌زمان همدستی و همکاری روزنامه‌چی‌های رژیم در کتمان و انکار و نشر اخبار دروغ است. گواه آن نیز تیراژ مطبوعات کشور است. در سال‌های ۹۷ و ۹۸ در گزارش‌های متعددی به تیراژ پایین مطبوعات در ایران پرداخته شده است. در این گزارش‌ها آورده شده است که طبق استانداردهای بین‌المللی، میانگین رسانه‌های چاپی کشوری باید به اندازه ۱۰ درصد جمعیت آن کشور باشد. در حالی که در ایران رقمی زیر یک میلیون و ۲۰۰ هزار نسخه است و همین تیراژ کم هم با درصد بالایی از برگشتی روبروست. برای مثال، طبق یکی از این گزارشات، تیراژ روزانه روزنامه همشهری، وابسته به شهرداری تهران، به عنوان پرتیراژترین روزنامه حدود ۱۸۰ هزار نسخه است که بیش از ۴۰ تا ۵۰ درصد برگشتی دارد. یا روزنامه اعتماد با تیراژ روزانه در حدود ۷۰۰۰ نسخه، حدود ۶۰ درصد برگشتی دارد، تازه ۱۵۰۰ نسخه آن هم در مجلس به طور رایگان توزیع می‌شود. روزنامه‌ها به علل مختلف تیراژ واقعی خود و تعداد برگشتی‌ها را محرمانه نگاه می‌دارند. یکی از علت‌های مهم، نیز پارانها با دلار دولتی و رانت حاصل از آن است.

به جز عواملی که در کشورهای دیگر نیز بر تیراژ رسانه‌های چاپی تأثیر گذاشته است، در ایران عوامل برجسته دیگری در تیراژ اندک روزنامه‌ها نقش ایفا می‌کنند. مردم سالیان بسیاری است که روزنامه‌های جمهوری اسلامی را کاغذپاره می‌دانند، چرا که بیش‌تر به بنگاه‌های دروغ‌پرانی شباهت دارند تا رسانه‌های خبررسانی. نمونه به ویژه در سالیان گذشته بسیار است. با وجود اعتراضات متعدد و گاه سراسری و توده‌ای، روزنامه‌ها نه تنها خبر این اعتراضات و خواسته‌های معترضان را پوشش خبری مناسبی ندادند، بلکه به سکوی تکرار و تبلیغ و توجیه دروغ‌پردازی‌های رژیم و انتساب معترضان به "عوامل بیگانه" و "اخلال‌گران در نظم عمومی و امنیت ملی" و "اشوب‌گران" بدل گشته‌اند. گرچه بسیاری از روزنامه‌نگاران به ناچار و بر اثر قید و زنجیر سانسور از خبررسانی شفاف و دقیق بازمانده‌اند، اما هستند روزنامه‌ها و روزنامه‌نگارانی که تحت پوشش "فعال رسانه‌ای" در واقع بلندگوی ارگان‌های رژیم و جناح‌های رژیم‌اند. این‌گونه "فعالان رسانه‌ای" نه تنها با دغدغه‌های مردم بیگانه‌اند، بلکه در بزنگاه‌های مهم، در بزک و دوزک جنایات رژیم مشارکت فعالانه‌ای داشته و دارند.

همان‌گونه که از این بینش برمی‌آید، دغدغه فعالان رسانه‌ای حاضر در گفتگو، امکان خبررسانی آزاد، دقیق و شفاف نیست، بلکه این گویز کوچولوها از گویزبزرگ‌ها میدان بازی می‌طلبند. به آنان اندرز می‌دهند بگذارید در رسانه‌ها منافع جناح‌ها حفظ شود، بگذارید گاهی با هم سرشاخ شویم، تا فضای جامعه را "مدیریت کنیم". البته ادامه نمی‌دهند، به همان شیوه دوران "شکوفایی" اصلاح‌طلبی. دورانی که با امیدپرانی کاذب و وهم و فریب توانستند فضای جامعه را تا حدی "مدیریت" کنند و چند صباحی بسیاری را با گام‌های یابوی اصلاح‌طلبی هم‌گام سازند.

اما آنان در اشتباه بزرگی به سر می‌برند. در دهه‌های اخیر، نه دیگر امکان محدودسازی جریان اطلاعات در گستره مطلوب جمهوری اسلامی وجود دارد، نه دیگر مردم توهمی به جناح‌های رژیم و کلیت رژیم و رسانه‌ها و فعالان رسانه‌ای آن دارند. به گفته یکی دیگر: "در خانواده و فامیل تلقی‌شان این است که شما این همه دروغ را از کجا می‌آورید؟" آیا هنگامی که "خانواده و فامیل این قلم‌مزدان، از استعداد دروغ‌پردازی آنان متحیرند، جایی برای "اعتبار" و "اعتبار" نزد افکار عمومی وجود دارد؟

در بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران به تاریخ ۲۶ دی، آمده است: "این خفت‌بار است که ماشین رسانه‌های جریان‌های مختلف سیاسی کشور در صدد است خاستگاه و منشأ اعتراضات حوق‌طلبانه‌ی جامعه‌ی فرهنگی را به بیگانگان یا احزاب منسوخ تاریخ گذشته‌ی داخلی از هر طیفی نسبت دهد، در حالی که قاطبه‌ی فرهنگیان همانند سایر جریان‌های فکری مستقل و توده‌های مردمی که اخیراً عنوان کردند: "اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" و صدای واقعی خود را به گوش حاکمیت و جهانیان رساندند، به این واقعیت پی برده‌اند که در صفحه ۹

## زنده باد سوسیالیسم



## در سوگ رفیق سعید سهرابی

با تاسف فراوان، رفیق سعید سهرابی، یکی از مبارزان کمونیست، انقلابی و وفادار به آرمان طبقه کارگر از میان ما رفت. او با تحمل رنج و سختی های دوران بیماری، سر انجام در شامگاه دوشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۰ (۱۷ ژانویه ۲۰۲۲) قلب تپنده اش از حرکت باز ایستاد. رفیق سعید از جمله رفقای بود که با رنج توده های زحمتکش آشنا بود، درد مردم را می شناخت و بر بستر آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی با درد و رنج آنان زندگی می کرد.

رفیق سعید سهرابی فعالیت سیاسی و مبارزاتی خود را با سازمان چریک های فدایی خلق ایران شروع کرد. او به هنگام انشعاب بزرگ سازمان در خرداد ۱۳۵۹ طی مرز بندی با جناح رفرمیست و ضد انقلابی اکثریت، به بخش اقلیت انقلابی سازمان پیوست. سعید سهرابی، در انجام وظایف سازمانی و مبارزاتی خود، رفیقی دقیق، سخت کوش و پیگیر بود. او با برخورداری از چنین خصایل انقلابی در شرایط دشوار بعد از وقایع ۳۰ خرداد ۶۰، تا اواخر پائیز ۶۲ تحت سخت ترین شرایط امنیتی و شدیدترین کنترل پلیسی، نشریه کار را در محل زندگی خود تکثیر و پخش می کرد.

رفیق سعید در سال ۶۴ مجبور به ترک کشور شد و در انشعابات بعدی سازمان چریک های فدایی خلق ایران (اقلیت)، با هسته اقلیت رفت و تا پایان زندگی پر بارش، فعالیت سیاسی و مبارزاتی خود را در هسته اقلیت ادامه داد.

رفیق سعید در سال های بودن در استکهلم سوئد، نقش پر رنگی در تاسیس، سازماندهی و ادامه کاری "شورای حمایت از مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران - استکهلم" داشت و بی تردید نقش مبارزاتی او علیه جمهوری اسلامی و نظام سلطه و استثمار هرگز از یادها نخواهد رفت.

سازمان فدائیان (اقلیت)، از دست دادن رفیق سعید سهرابی عزیز را به رفقای هسته اقلیت، خانواده گرامی او و دیگر همزمان و بستگان او تسلیت می گوید و خود را در اندوه فقدان این رفیق مبارز شریک می داند. بادش عزیز و خاطره اش گرامی باد!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی

نابود باد نظام سرما یه داری

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۸ ژانویه ۲۰۲۲ - ۲۸ دی ماه ۱۴۰۰

کار، نان، آزادی - حکومت شورائی

**رژیم جمهوری اسلامی را باید  
با یک اعتصاب عمومی سیاسی و  
قیام مسلحانه برانداخت**

## چرایی و چشم‌انداز گسترش اعتراضات علیه نظم حاکم

دستگیری، ضرب‌وشتم و تهدیدات دستگاه‌های سرکوب، همچنان به حضور خود در خیابان‌ها ادامه داده و با صدایی رسا اعلام کردند که "تنها کف خیابون بدست می‌آد حق‌مون". بویژه در اسفند سال گذشته و فروردین‌ماه سال جاری شاهد پرشکوهرترین و فراگیرترین اعتراضات خیابانی کارگران بازنشسته بودیم که گاه حتا به دو تجمع اعتراضی در هفته افزایش یافته بود.

در این هفته و در پنجمین سالگرد آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو که ۱۶ آتش‌نشان در شعله‌های آتش و یا در زیر آوار جان باختند، آتش‌نشانان نیز تجمع بزرگی در برابر شهرداری تهران در روز چهارشنبه ۲۹ دی برگزار کردند. به‌رغم تمام وعده‌های مقامات دولتی به آتش‌نشانان در ارتباط با بهبود وضعیت حقوقی و نیز شرایط کاری و ابزار و امکانات مورد نیازشان، تاکنون هیچ گامی از سوی این مقامات برداشته نشده است. آتش‌نشانان در تجمع اعتراضی خود شعار دادند: "معیشت مناسب حق مسلم ماست"، "خسته‌ایم از وعده و دروغ نه از آتش و دود". آن‌ها بویژه خواستار افزایش حقوق متناسب با تورم و هزینه‌های زندگی، تامین مسکن مناسب و محسوب شدن کار آتش‌نشانان به‌عنوان کار سخت و زیان‌آور هستند.

در روز چهارشنبه کارگران میدان نفتی یادآوران نیز در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل دست به اعتصاب و اعتراض زدند. مجموعه دریافتی این کارگران کمتر از ۵ میلیون تومان است. همچنین در روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه کارگران مخابرات زیر مجموعه "شسکام" (شرکت سرمایه‌گذاری کارکنان ارتباطات و مخابرات) در استان گیلان در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، نوع قرارداد کاری و ناکارآمد بودن بیمه تامین اجتماعی و بیمه تکمیلی دست به اعتصاب زدند. پنج‌شنبه کارگران "کشت‌و‌صنعت نیشکر میان‌آب" نیز دست به اعتصاب و راهپیمایی زده و در محوطه کارخانه نسبت به دست‌مزد پایین و دیگر مطالبات خود از جمله در رابطه با نوع قراردادها و بیمه دست به اعتراض زدند، اعتصابی که همچنان (تا روز یکشنبه) ادامه داشته است.

بازنشستگان مخابرات نیز روز ۲۶ دی

دست به تجمع زده و قرار است روز دوشنبه ۴ بهمن بار دیگر برای رسیدن به خواست‌های خود از جمله پرداخت پاداش بازنشستگی دست به تجمع اعتراضی بزنند. عدم پرداخت پاداش بازنشستگان از معلمان تا مخابرات و غیره به یکی دیگر از معضلات بازنشستگان تبدیل شده که مدام بزرگتر و بزرگتر می‌شود. در همین هفته یک "استاد شیمی" بازنشسته دانشگاه کاشان در اعتراض به عدم پرداخت پاداش بازنشستگی خود در برابر چشمان دانشجویان دست به خودسوزی زده و جان باخت.

همچنان که همگان شاهد هستند، تعداد تجمعات اعتراضی روزانه در حال افزایش است. از کارگران مراکز تولیدی و خدماتی همچون کارگران شهرداری‌ها تا بازنشستگان، معلمان، پرستاران، بیکاران و دیگر گروه‌های اجتماعی، حتا مال‌باختگان بورس. کار به جایی رسیده است که کارکنان دستگاه قضایی نیز در اعتراض به وضعیت حقوقی خود دست به اعتراض سراسری زده‌اند. یکی از تجمعات دو هفته اخیر تجمع بازنشستگان نیروی انتظامی بود که نیروی انتظامی برای کنترل اوضاع در محل اعتراض بازنشستگان نیروی انتظامی مستقر شده بود!! این هم شاید طنز تلخ حال و روز امروز مردم ما باشد!

براساس اطلاعیه‌های منتشره در شبکه‌های اجتماعی همچنین قرار است دوشنبه ۴ بهمن (امروز) بازنشستگان آموزش و پرورش در تهران در خیابان فاطمی در برابر صندوق بازنشستگی کشوری و در استان‌ها در برابر صندوق بازنشستگی استان، در اعتراض به عدم اجرای همسان‌سازی و وضعیت معیشتی بازنشستگان، دست به تجمع اعتراضی بزنند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز ضمن حمایت از تجمع بازنشستگان با انتشار اطلاعیه‌ای فراخوانی برای اعتصاب در مدارس در روزهای ۹ و ۱۰ بهمن و تجمع اعتراضی سراسری در ۱۱ بهمن داده است که جزئیات این اعتراضات به‌زودی از سوی شورای هماهنگی اعلام خواهد شد.

در قطعنامه پایانی تجمع بازنشستگان آموزش و پرورش در برابر صندوق بازنشستگی به تاریخ ۴ بهمن که دو روز قبل از تجمع در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده،

آمده است: "ما پیشکسوتان آموزش و پرورش امروز در این محل گرد آمده‌ایم تا با فریاد حق‌طلبانه‌ی خود به کسانی که طی سالیان دراز با ادعای متولی بودن برای این قشر فریخته جز حق‌کشی و به تاراج دادن سرمایه‌ی یک عمر زحمت و تلاش ما قدمی برداشته‌اند بگوییم، تا به دست آوردن حق و حقوق پایمال شده‌ی خود از پای نخواهیم نشست". بازنشستگان در این قطعنامه ضمن تاکید بر خواست‌های حقوقی و معیشتی خود، خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط همکار بازنشسته خود محمّدتی فلاحی و دیگر معلمان و بازنشستگان زندانی شدند.

این‌که روزانه بر دامنه اعتراضات افزوده می‌شود و مدام بخش‌های دیگری از جامعه برای رسیدن به خواست‌هایشان کف خیابان را انتخاب می‌کنند، نتیجه شرایط واقعی زندگی آن‌هاست. به‌غیر از سرمایه‌داران و مقامات دولتی و کسانی که در ارتباط با آن‌ها هستند، عموم مردم در شرایط سختی زندگی می‌کنند. یک بیماری سخت می‌تواند خانواده‌ای را که تا پیش از این وضعیت زندگی متوسطی داشت، مجبور به حراج دارایی‌اش کرده و آن‌ها را حتا به زیر خط فقر پرتاب کند. مخالفت با مدیری در محیط کار و یا بر زبان راندن موضوعی برخلاف موضع حکومت، اگر به زندان ختم نشود به اخراج از کار و از دست دادن ممر معاش منجر می‌گردد. مردم از خفقان نفرت‌انگیز حاکم به تنگ آمده‌اند، از ستم، از زورگویی به خشم آمده‌اند. این اعتراضات نشان می‌دهد که مردم از شرایط سخت زندگی‌شان، از شکاف عمیق طبقاتی، از فساد و دزدی مقامات حکومتی خسته و بیزار هستند. از مزدوران و آدم‌کشانی که خود در رفاه بسر می‌برند، اما برای مردم موعظه می‌کنند که "کم بخورید، یک وعده غذا بخورید، پیامبر گفته کسی که سه وعده غذا می‌خورد افساری به گردن‌اش بیاندازید و به طویله ببرید" بیزار و خشمگین هستند. از آخوندها به عنوان نماد حکومت مذهبی متنفر هستند و عمامه‌های‌شان را لگدمال می‌کنند، آخوندهایی که به اعتراف آخوند فاضل میبیدی با لباس معمولی به خیابان می‌روند تا از مردم فحش نخورند.

رشد اعتراضات در عین حال نشان از این دارد که تیغ سرکوب رژیم دیگر کارایی گذشته را ندارد و ترس مردم تا حدود زیادی ریخته است. افزایش روزانه زندانیان سیاسی، از جمله کسانی که به دلیل فعالیت تبلیغی در شبکه‌های اجتماعی و حتا

در صفحه ۹

**زنده باد استقلال طبقاتی کارگران**



## چرایی و چشم‌انداز گسترش اعتراضات علیه نظم حاکم

شعارنویسی بر دیوارهای شهر دستگیر می‌شوند اما به‌رغم این موضوع مدام بر تعداد این افراد در شبکه‌های اجتماعی و خیابان‌ها افزایش می‌یابد، یک نمونه روشن از کاهش ترس و فروریختن قدرت سلاح رژیم است. شعارهای تند و رادیکال مردم در اعتراضات نیز همین پیام را در خود دارد. حتا مال‌باختگان بورس نیز شعارهایی همچون "مرگ بر این دولت مردم فریب" سردادند و کارکنان دستگاه قضایی جدا از دروغ‌گو خطاب کردن رئیسی و قالیباف شعارهایی همچون "مجلس بی‌کفایت، مرگ بر این عدالت" سر داده بودند.

این که فردی همچون مجتاز فومنی مدیر مسئول روزنامه "اصلاحات" که فشنلی این جریان بر تمام مردم ثابت شده، جرات کرده و در همایش "خانه احزاب" در وزارت کشور می‌گوید: "چه کردید با این ملت، چه کسانی پاسخگوی ۴۳ سال مدیریت نالایق مدیران جمهوری اسلامی هستند؟ نمایندگان منفعت طلب مجلس! به جای بستن فضای مجازی به فکر نان مردم باشید، مردم گرسنه هستند. دو دستی خود را فروختم و شدیم مستعمره چین و روسیه" و یا این‌که معاون اجتماعی وزیر کشور از افزایش میل به تغییر در میان مردم در تحقیقات معاونت تحت‌نظر خود خبر می‌دهد، بیان‌گر عمیق‌تر شدن شکاف و بحران درونی هیأت حاکمه، تزلزل در میان نیروهای حکومت و ناتوانی آن در مقابله با گسترش اعتراضات است، اعتراضاتی که بوی سرنگونی جمهوری اسلامی از آن‌ها برخاسته است.

یک نکته مهم دیگر این است که سیاست‌های طبقه حاکم خود عاملی برای افزایش ناراضی‌هاست. سیاست‌های حاکم بر بودجه ۱۴۰۱ یک نمونه آشکار است که با افزایش فقر، خالی‌تر کردن هر چه بیشتر سفره مردم و خطر انفجار گرانی و رشد تورم، زمینه گسترش و فراگیرتر شدن اعتراضات را

فراهم می‌سازد، سیاست‌هایی که برخی به دلیل وضعیت مالی جمهوری اسلامی برای حاکمان ناگزیر و برخی دیگر نیز نتیجه سیاست‌هایی‌ست که جمهوری اسلامی موجودیت خود را با آن‌ها تعریف کرده است. همچون ادامه و حتا تشدید سیاست پان‌اسلامیستی دولت "شیعه مذهب" جمهوری اسلامی که سالانه میلیاردها دلار در اثر دخالت در جنگ‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای بر سر کسب قدرت و نفوذ، خرج بر دوش مردم ایران می‌گذارد.

هم‌اکنون برخی از تشکلهای مستقل کارگری همراه با چند تشکل دیگر با اعلام این‌که خط فقر به ۱۶ میلیون تومان رسیده اعلام کردند که هیچ کارگری نباید کمتر از این مبلغ دستمزد دریافت کند. البته مساله تنها خط فقر نیست. موضوع این است که زندگی در رفاه حق تمامی کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، کشاورزان، بیکاران و خلاصه تمامی آحاد جامعه است. تامین اجتماعی از گهواره تا گور حق تمامی افراد است. بیکاران مسئول بیکاری خود نیستند، این دولت است که باید به تمامی بیکاران حق بیکاری به میزان نیازهای یک خانواده پرداخت کند. آموزش و پرورش رایگان و با کیفیت حق تمامی کودکان است.

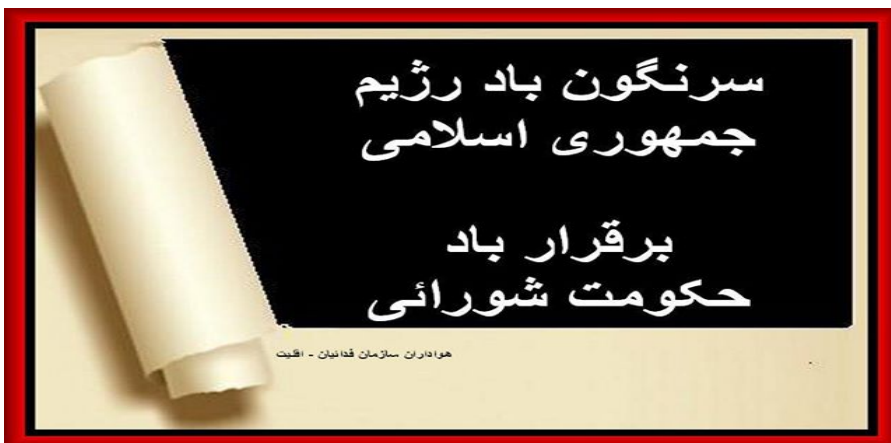
جمهوری اسلامی اما همان‌طور که تاکنون نشان داده و کابینه رئیسی به‌عنوان مامور اجرای سیاست‌های این دولت تلاش دارد آن را به عیان‌ترین شکلی اجرا کند، درست در جهت مخالف تمامی این حقوق اولیه و ضروری زنان و مردان و کودکان و جوانان جامعه حرکت می‌کند که برشمردیم. بنابراین طبیعی‌ست که شاهد گسترش اعتراضات، گسترش مبارزه طبقاتی و بالاخره قدرتمندتر شدن صفوف فشرده، متحد و مستحکم کارگران و زحمتکشان، آن جمعیت عظیم بیش از ۹۰ درصدی جامعه علیه قدرتمداران ستمگر، دزد و فاسد جمهوری اسلامی باشیم.

## "روایت اول" یا شکوهی گوبلز کوچولوها از یار جفاییشه

سرشت جریان‌های سیاسی موجود، نسبت به تضییع حقوق شهروندان مشابه هم عمل می‌کنند. آیا در چنین فضای و با چنین نگاه و قضاوتی نسبت به رسانه‌ها و فعالین رسانه‌ای اصلاح‌طلب و اصول‌گرا، جایی برای "تسکین" وجود دارد؟ اصولاً کدامین "تسکین"؟! چگونه این فرصت‌طلبان رسانه‌ای می‌خواهند توده‌های مردمی را که روزانه با فقر و تورم، با بی‌مسکنی و آوارگی، با بیکاری و نداری، با سیل و زلزله، با بی‌آبی و بی‌برقی، با بیماری و مرگ عزیزان، با گلوله و باتوم، با بگیروبیند و زندان و پلیس و بسیجی و مأمور امنیتی دست و پنجه نرم می‌کنند، "تسکین" دهند؟ کدام دروغی می‌تواند "التهاب" جامعه را فرونشاند و مردم عاصی را از رفتن به خیابان و اعتراض بازدارد و آنان را به پذیرش این سرنوشت سیاه مجاب کند؟

این مستند در روز جان‌باختن بکتاش آبتین، شاعر و فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران بر اثر ابتلا به کرونا در زندان و در پی اهمال در انتقال به بیمارستان پخش شد، این مستند در دومین سالگرد جان باختن ۱۷۶ مسافر در پی شلیک موشک‌های سپاه به هواپیمای مسافربری پخش شد، این مستند در روزگاری پخش شد که بسیاری از هنرمندان آزادی‌خواه، روزنامه‌نگاران، فعالین کارگری، معلمان، دانشجویان و جوانان معترض در زندان‌ها اسیرند، در روزهایی که بسیاری از فعالین مستقل رسانه‌ای تحت شرایط دشوار با عدم امنیت شغلی و جانی، با مشکلات معیشتی و سانسور دست و پنجه نرم می‌کنند؛ اما، بسیار دیر جنبیده‌اند و با دستی تهی‌تر از پیشین آن هم با وجود حکومتی که جز تحریف و فریب و کذب و سرکوب زبان دیگری نمی‌شناسد.

در این فیلم، مستندساز و "فعالان رسانه‌ای" اصول‌گرا و اصلاح‌طلب آنچه نمی‌خواهند آزادی است، امکان خبررسانی آزاد و مستقل و به دور از بگیروبیند و تهدید و زندان است، آزادی آزادیخواهان و زندانیان سیاسی است. تمام خواسته‌های آنان، با شناخت تمام، طلب سهمی از "حاکمیت" است؛ سهمی از قدرت است، سهمی از خون ریخته است، سهمی برای هم‌نشینی بر سر سفره‌ی خون، سهمی برای فریب افکار عمومی، سهمی برای نجات جمهوری اسلامی از خطر سرنگونی. در این مستند، این گوبلز کوچولوها به درگاه همان یار جفاکاری شکوه می‌برند که عشوهایشان را به هیچ می‌گیرد. چرا که رژیم می‌داند دوران این عشوها به سر رسیده است و خشم مردم سوزان‌تر از آن است که این نیرنگ‌ها فرونشاندش.



## چرایی و چشم‌انداز گسترش اعتراضات علیه نظم حاکم

وعده‌های توخالی و دروغین دولت، با شعارهایی همچون "عزا عزاست امروز روز عزاست امروز سفره بازنشسته روی هوست امروز"، "سفره ما خالیه ظلم و ستم کافیه"، "فریاد فریاد از این همه بیداد" اعتراض و خشم خود را نسبت به نظم حاکم فریاد زدند. یکشنبه گذشته ۲۶ دی‌ماه نیز کارگران بازنشسته از جمله بازنشستگان صنعت فولاد در برخی از شهرها از جمله تهران، اهواز، رشت، اصفهان، لوشان، کرمانشاه و خرم‌آباد دست به تجمع

اعتراضی زده بودند. در آن روز صدها کارگر بازنشسته تهران با شعارهایی همچون "بازنشسته می میرد تبعیض نمی‌پذیرد"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "فریبکاری کافیه سفره ما خالیه" در برابر مجلس اسلامی دست به تجمع زده و خواست‌های خود را فریاد زده بودند. کارگران بازنشسته بیش از یکسال است که در یکشنبه‌های اعتراض با وجود تمامی مشکلاتی که با آن‌ها روبرو هستند، از شیوع کرونا تا درصفا ۸

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید. شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[https://t.me/fadaian\\_aghaliyat](https://t.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 955 January 2022



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

## اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدینوسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد. و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیونهای، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان - اقلیت و شبکه های اجتماعی فیسبوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی / سمبول ریت 27500 .  
FEC: 2/3

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و اشنایان خود برسانید. مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat  
Frequency: 12594  
Polarization: Vertical/ عمودی  
Symbol Rate: 27500  
FEC: 2/3

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی